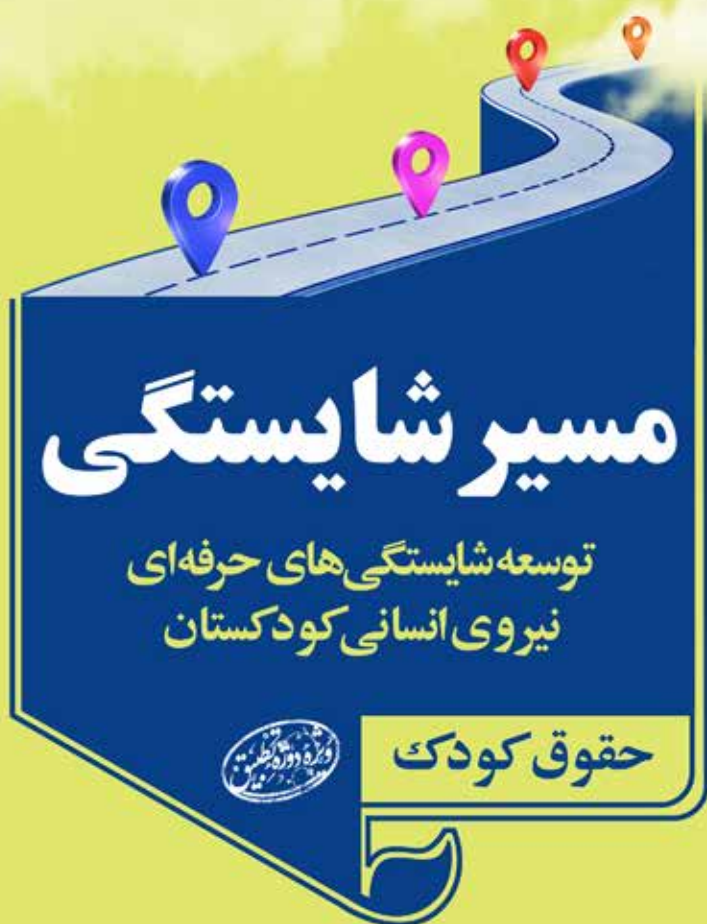




مسیر شایستگی

توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای
نیروی انسانی کودکان پاکستان



حقوق کودک

به نام پروردگارِ
دوستدارِ کودکان



مسیر شایستگی

توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای

حقوق کودک *



* این متن حاصل سخنان آقای دکتر علی کاظمی، دبیر مرجع ملی حقوق کودک و معاون دادگستری، در استودیوی سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک است.

کودکان شریف‌ترین، ظریف‌ترین و پاک‌ترین موجودات جامعه هستند. کودکان به افراد زیر ۱۸ سال گفته می‌شود که دو دسته هستند؛ یا طفل هستند یا نوجوان. اطفال هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند و نوجوانان بین سن بلوغ تا سن ۱۸ سال قرار دارند.

در این بخش، در مورد حقوق اطفال، یعنی کودکان زیر هفت سال، مطالبی ارائه خواهد شد. در کودکان با غالباً با اطفالی سر و کار داریم که نوعی زندگی عادی را پشت سر می‌گذارند؛ یعنی خانواده دوستدار آن‌هاست و همین‌طور در فضای زندگی عادی و معمولی، از نظر اقتصادی و اجتماعی، حضور دارند. گاهی هم با کودکانی سر و کار داریم که ممکن است در معرض خطر یا بزه‌دیده باشند. در معرض خطر یعنی موقعیتی که اگر مداخله نشود، فرد دچار مشکل شود.

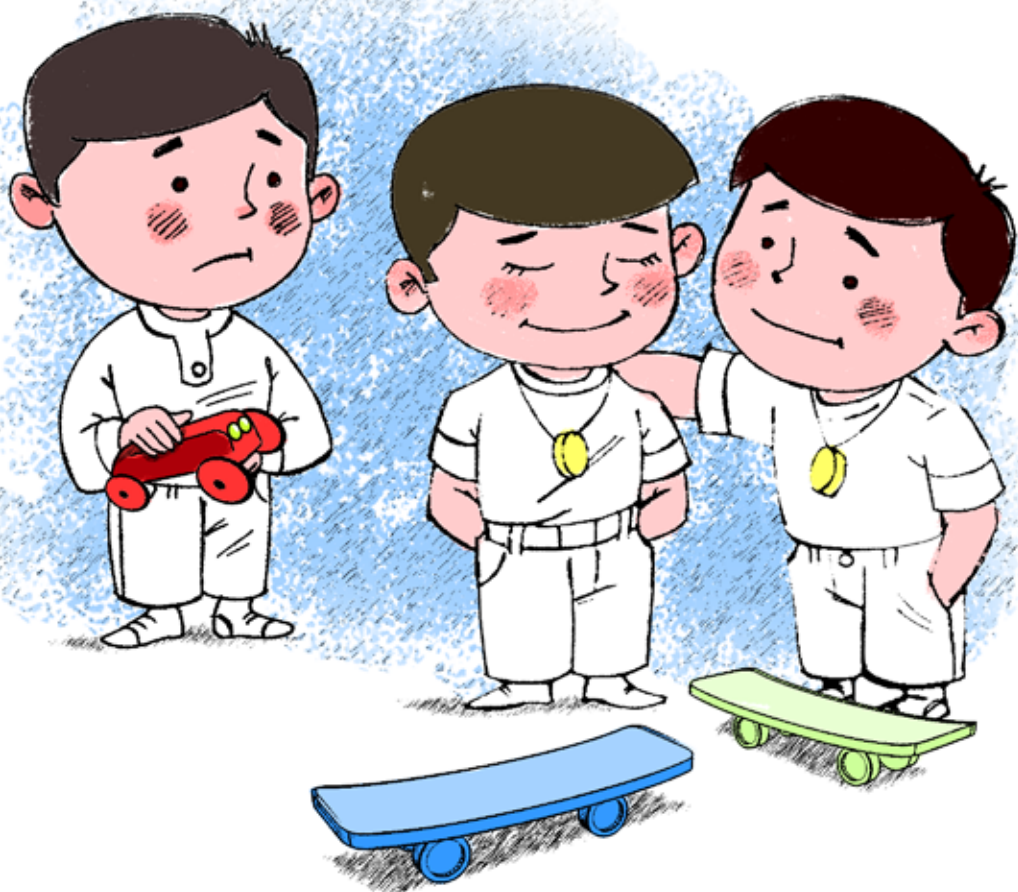
در مواد و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که در سال ۱۳۹۹ ابلاغ شد، می‌توان تعریف طفل در معرض خطر و طفل در معرض خطر شدید و قریب‌الوقوع را مشاهده کرد. در ماده ۲ و ۳ این قانون، این کودکان در ۱۴ دسته دسته‌بندی شده‌اند. مطالبی که در این بخش بیان می‌شوند، به نحوی به هر دو دسته‌ای ناظرند که در کودکان‌ها امکان مواجهه با آن‌ها وجود دارد.

اسنادی که در خصوص حقوق کودکان صحبت می‌کنند، یا قوانین داخلی هستند یا اسناد فرادستی. در داخل کشور در خصوص حقوق کودکان و شقوق آن‌ها قوانین و مقررات زیادی وجود دارند. «قانون مدنی» یکی از قدیمی‌ترین قوانین ماست که در سال ۱۳۰۷ اولین کتاب آن تصویب شد. این قانون در مقررات متعدد به حقوق کودکان پرداخته است. علاوه بر آن، اسناد داخلی ما در حقوق کودک عبارت‌اند از: «قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱؛ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در سال ۱۳۹۱؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹؛ منشور حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۵؛ کنوانسیون حقوق کودک که کشور ما در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته است. پروتکل الحاقی این کنوانسیون نیز در خصوص منع فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان است (که در واقع سند مکمل آن است) و ما در سال ۱۳۸۶ به آن پیوستیم.

حجم این قوانین زیاد است. شاید حدود ۱۲۰۰ صفحه قوانین و مقررات در حوزه حقوق کودکان وجود دارد. در اینجا به صورت مختصر به ۱۲ حق اشاره می‌شود:

حق اول

برابری کودکان و منع تبعیض بین آن‌ها



کودکان از جهات گوناگون باید به صورت برابر نگریده شوند؛ از نظر جنسی، از نظر قومیتی، از نظر خاستگاه اجتماعی، از نظر ظاهر فیزیکی، از نظر تابعیت و از نظر مذهب. از هر نظری کودکان با هم برابر هستند. بنابراین، رفتار و اقدام مدیران و مربیان در محیط آموزشی به هیچ وجه نباید به گونه ای باشد که کودک احساس کند در تبعیض با کودک دیگر قرار دارد. حتی توانمندی ها و قابلیت های کودکان هم نباید منجر به این شود که کودک احساس تبعیض کند. گاهی رفتاری بسیار ساده ممکن است حس تبعیض بسیار بدی را به کودک القا کند.

یادمان باشد، کودکان بسیار ظریف هستند و هرگونه تبعیض، حتی کوچک، را هم حس می کنند. در اینجا باید به دو سه دسته کودکان به طور خاص اشاره کنیم: یکی کودکانی که پناهنده یا آواره هستند. کودکان آواره به خاطر شرایط محیطی مانند سیل و زلزله و بلایای طبیعی، ناگزیر به ترک منزل خودشان می شوند. کودکان پناهنده هم به دلایلی نمی توانند در کشور خودشان زندگی سالم داشته باشند و به کشور ما می آیند؛ مثل کودکانی که از افغانستان به ایران آمده اند. این کودکان نباید هیچ گونه حس منفی نسبت به این موضوع داشته باشند. کودکان اقلیت ها، چه اقلیت های قومی، زبانی و چه مذهبی، به همین نحو. کودکانی که دچار ناتوانی هستند و گاه به آن ها معلول گفته می شود. این کودکان باید طوری در محیط حمایت های خاص خود را دریافت کنند که احساس نکنند به چشم ترحم به آن ها نگاه می شود.

البته مشخص است، حمایت اضافی نیز خودش نوعی تبعیض است. تبعیض دو گونه است: تبعیض روا و تبعیض ناروا. تبعیض ناروا آن است که به کودکان در شرایط برابر تبعیض کنید. اما تبعیض روا آن است که به خاطر موقعیت سخت یک کودک، از او حمایت های لازم را انجام دهید. این تبعیض بد نیست و به آن حمایت می گوییم.



حق دوم زندگی با خانواده

کودکان حق دارند با خانواده باشند و نباید از خانواده جدا باشند. طبیعی است، هر کودک با پدر و مادر یا گاهی در صورت فوت یا متارکه والدین، با یکی از آن‌ها زندگی می‌کند. این موضوع باید مورد توجه باشد که در کودکان با این کودکان به گونه‌ای برخورد شود که کاملاً حس داشتن خانواده را داشته باشند و چنانچه با یک والد هستند، شرایط آن والد خاص در نظر گرفته شود.

گاهی والدین با هم اختلافاتی دارند و متأسفانه این کودکان هستند که درگیر مناقشات بین آن‌ها می‌شوند. به‌عنوان مدیر یا مؤسس یا مراقب کودکستان، باید حواسمان به این باشد که بدانیم کودک را به چه کسی تحویل بدهیم و چه کسی دنبال کودک می‌آید تا محیط آموزشی ما عرصهٔ درگیری والدین نشود.

از سوی دیگر، گاهی کودکان پدر و مادر ندارند و با پدربزرگ، مادربزرگ یا عمه و دایی یا شخص دیگری زندگی می‌کنند. در این موارد باید مراقبت شود اگر کودک بی‌سرپرست است، با همکاری سازمان بهزیستی یا معرفی او به دفترهای حمایتی، برای او خانوادهٔ جایگزین در نظر گرفته شود. گاهی اوقات هم کودکان بدسرپرست هستند. یعنی خانواده نمی‌تواند شرایط مناسبی برای آن‌ها فراهم کند. این افراد یا سوء رفتار دارند یا نسبت به کودکان بی‌توجه و سهل‌انگارند. در این موارد، گاهی صحبت با خانواده و ارائهٔ برخی تذکرات راهگشاست. گاهی هم که اوضاع بدتر از این است، طبق قوانین و مقررات، مکلف هستیم موضوع را به اطلاع نهادهای حمایتی مانند بهزیستی و آموزش و پرورش برسانیم تا تصمیم لازم را بگیرند.



داشتن سلامت

سلامت شامل سلامت جسمی، سلامت روحی‌روانی و سلامت اجتماعی است. باید مراقبت کنیم کودک در تمام این حوزه‌های سلامت کاملاً به‌صورت متوازن و یکپارچه رشد کند. رشد نامتوازن یعنی کودک مثلاً در



سلامت اجتماعی رشد بیشتری داشته باشد، اما سلامت جسمی یا روحی خوبی نداشته باشد. در این صورت کودک دچار آشفتگی و پریشانی خواهد شد که این ممکن است در آینده تأثیرات بسیار بدی بر وضعیت او بگذارد. بنابراین، رشد کودک در همهٔ ساحت‌ها باید متوازن باشد و از این سلامت مراقبت شود.

حق تغذیه که از جمله زیرمجموعه‌های حق سلامت است، بحث بسیار مهمی است. در محیط آموزشی، نه تنها نباید اجازه دهیم سوءتغذیه یا تغذیهٔ بد رواج پیدا کند، بلکه باید کودکان را به سمت تغذیهٔ مفید و مناسب هدایت کنیم.

از نظر روحی و روانی، در کودکان باید شرایط خوب و آرام‌بخش در انتظار کودک باشد. گاهی محیط کودک‌مدارانه نیست. یعنی فضای آنجا کودک‌مدارانه نیست یا فرایندها و روندها، و آداب و رسوم تربیتی چندان کودک‌مدارانه نیستند.

این رویه‌ها سلامت روحی کودک را به هم می‌ریزند. وظیفهٔ ما تربیت کودک است. این تربیت باید با روحیات کودک متناسب باشد. گاهی اوقات باید برای ارزیابی سلامت کودک برنامه‌هایی داشته باشیم و با روش‌های علمی مناسب آن‌ها را پیگیری کنیم تا مشخص شود آیا سلامت کودک در محیط خانواده یا محیط کودکانستان تأمین می‌شود یا خیر. اگر متوجه شدیم کودکی دچار مشکل است، مثلاً ظاهر او نشان می‌دهد از نظر سلامت جسمی یا تغذیه‌ای در خانه مشکل دارد، یا نحوهٔ صحبت و ادبیات به کاررفته در زبان او نشان می‌دهد این کودک در خانواده دچار مشکل است، باید تلاش کنیم در وهلهٔ اول خودمان با صحبت و مشاوره، و سپس با کمک نهادهای حامی، مشکل را برطرف کنیم.

حق چهارم

بر خورداری از حمایت در برابر آسیب‌ها و آزارها



آزارهای متعددی در کمین کودکان هستند؛ بهره‌کشی، سوء رفتار، بی‌توجهی، سهل‌انگاری و امثال این‌ها. وظیفه ما این است که در همه محیط‌ها از کودک حمایت کنیم. تعریف‌هایی از این موارد در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹ ارائه شده است. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به آن مراجعه کنید. نکته مهم این است که اگر با کودکی مواجه شدید که به حمایت نیاز داشت، باید از طریق نهادهای حمایتی اقدام کنید. در عین حال، در محیط کودکستان باید جلوی هرگونه رفتار آسیب‌رسان به کودک را بگیرید.

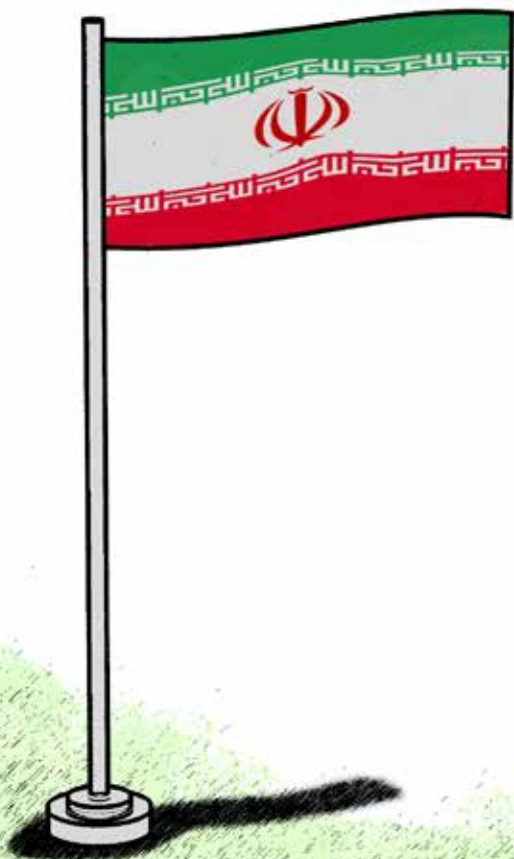
داشتن هویت

هویت یعنی چیزی که هم انسان را به یک جمع بزرگ‌تر پیوند می‌دهد و هم باعث جدایی او از جامعه می‌شود؛ یعنی هویت هم امکان تفکیک کودک از جامعه را ایجاد می‌کند و هم به اشتراک او با جامعه می‌انجامد. کودک حق دارد بداند در کجا متولد شده است، حق دارد نام و نام خانوادگی مناسبی داشته باشد و القاب زننده در موردش به کار نروند. همچنین حق دارد تابعیت داشته باشد. این‌ها معمولاً به‌عنوان حقوق اصلی هویت شناخته می‌شوند. یک حق دیگر هم داریم و آن حق داشتن هویت فردی است. کودکان



حق دارند متفاوت باشند، شخصیت خاص خود را داشته باشند و طبق آداب زمان خودشان تعلیم و تربیت شوند. بنابراین، نباید آنچه را خودمان مایل هستیم به آن‌ها القا کنیم.

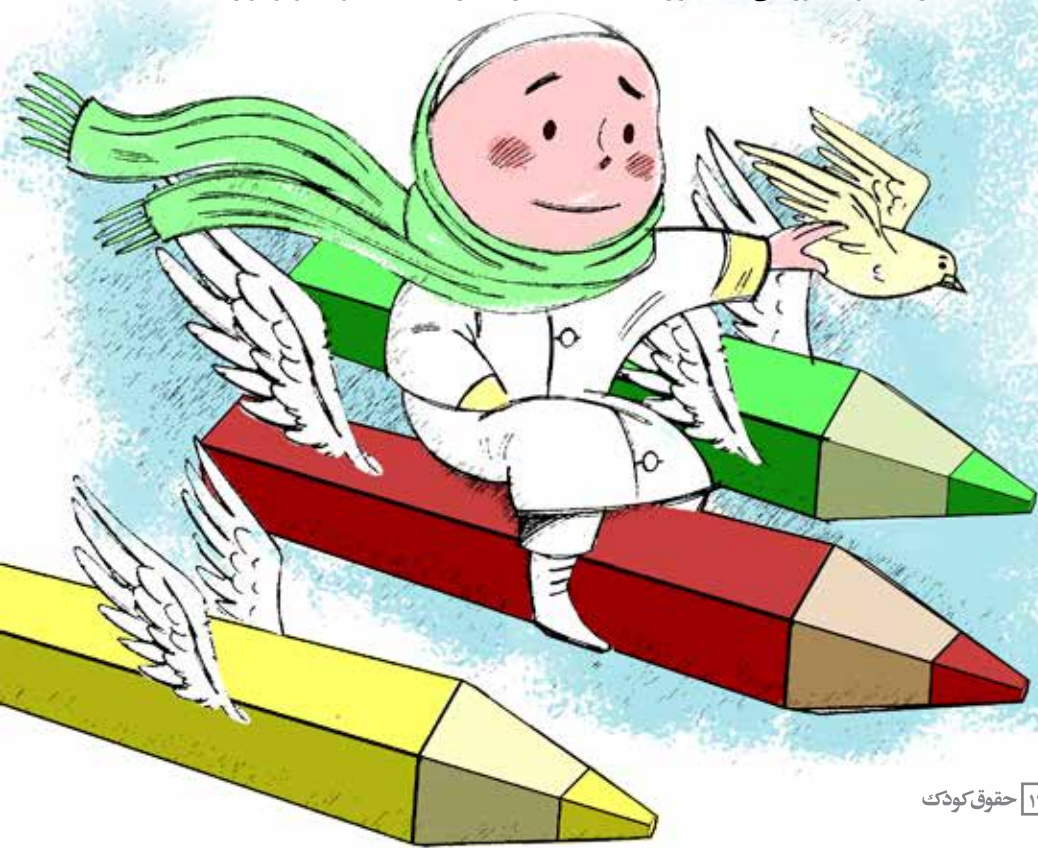
کودکان باید اسناد هویتی و اسناد تابعیتی داشته باشند. گاهی کودکان به دلایلی اسناد هویتی ندارند. یعنی یا برای آن‌ها اخذ نشده یا داشته‌اند ولی از بین رفته است. اطلاع از این مورد به بررسی نامحسوس نیاز دارد. اگر کودکی اسناد هویتی نداشت و به اصطلاح جزو کودکان نامرئی و بی‌هویت محسوب می‌شد، کمک کنیم هویت لازم را دارا شود.



برخورداری از آموزش

قسمتی از آموزش بر این مبتنی است که کودکان باید دوره‌های تحصیلی ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم را به رایگان بگذرانند. قسمت دوم هم حق آن‌ها بر محتوای آموزشی است. محتوای آموزشی باید از یک‌طرف به شایستگی‌ها، استعدادها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ذاتی کودک توجه داشته باشد که خداوند به او ارزانی داشته و از سوی دیگر باید از کودک شهروندی خوب و مسئولیت‌پذیر بسازد؛ شهروندی که مسئولیت‌پذیر است، حقوق خودش را می‌داند، به فرهنگ‌ها، تفاوت‌ها و مسائل اجتماعی و قانون‌های اجتماعی و روال‌ها و هنجارهای اجتماعی احترام می‌گذارد و ارزش‌های اجتماعی را درک می‌کند.

اگر کودک از اتباع یا اقلیت‌هاست، آموزش‌ها باید به گونه‌ای به وی ارائه شوند که موجب ازخودبیگانگی فرهنگی وی نشوند. در عین حال او را از جامعه مهمان‌پذیر هم جدا نکنند. از سوی دیگر، محتوای آموزشی نباید آزاردهنده، آشفته‌ساز یا تحریک‌کننده کودک و نوجوان باشد.



شنیده شدن

این حق به اصطلاح حق کودکان بر مشارکت است. کودکان حق دارند در اموری که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مشارکت کنند؛ حتی مشارکت در مدیریت کودکان. کودکان از سه‌سالگی به بعد حق دارند در مسائل خودشان اشتراک نظر داشته باشند و مسائل را مطرح کنند. طبیعی است که آن‌ها زبان و روش‌های متفاوتی برای بیان دارند؛ گاهی با بازی حرفشان را مطرح می‌کنند، گاهی با سکوت، و گاهی با تمرین و شعر و امثال این‌ها.

مشارکت کودکان به همه روش‌ها باید امکان‌پذیر باشد. مشارکت باید کاملاً واقعی باشد و تصنعی نباشد. اگر کودک درگیر یک موضوع می‌شود، به‌طور جدی به حرف‌هایش توجه کنیم. زمان حضور کودک در کودکانستان زمان بسیار مناسبی است برای تمرین کودک در مشارکت کردن.



رعایت مصالح یا منافع عالی کودک

مصلحت کودکان باید رعایت شود. این رفتار نوعی خرد عملی برای کسانی است که با کودک سروکار دارند. آن‌ها باید بدانند در چه موقعیتی چه اقدامی را دربارهٔ کودکان انجام دهند. مصلحت کودکان دو بعد دارد: در بعد اول، کاری به ضرر کودکان انجام ندهیم. بعد دوم این است که بهترین کارهای ممکن را در خصوص رشد و پرورش شخصیت آن‌ها انجام دهیم و انتخاب‌های ما حکیمانه باشند.



داشتن آزادی بیان و تفکر

کودکان باید امکان بیان نظرات و افکار خود را داشته باشند و آن چیزی را که می‌خواهند، به اشتراک بگذارند؛ اعم از دغدغه‌ها و احساساتشان، تفکراتشان، ایده‌هایشان و تمام مسائلی که احساس می‌کنند باید مطرح شوند. به همین دلیل، آن‌ها باید حق دیگری هم داشته باشند و آن حق دسترسی به اطلاعات است. برای اینکه ذهن کودکان پرورش پیدا کند، آن‌ها باید بتوانند به روش‌های متفاوت اطلاعات موردنیازشان را به دست آورند. طبیعی است که این اطلاعات نباید برای کودکان مضر باشند. باید مراقب اطلاعاتی که در فضای مجازی یا در فضای واقعی برای کودکان ضرر دارند، باشیم.



ورود به تجمعات

کودکان باید یاد بگیرند با هم کار گروهی انجام دهند و برای ارزش‌ها و اهداف بالاتر اشتراک مساعی داشته باشند. آن‌ها حق دارند به هر گروهی که می‌خواهند بپیوندند. تنها نکته این است که این گروه آسیب‌رسان نباشد؛ چه به اعضایش و چه به دیگران. گاهی اوقات برخی کودکان در محیط‌های آموزشی گروه‌هایی قلدرمآبانه ایجاد می‌کنند. ایجاد چنین گروه‌هایی ممنوع است. کودکان نباید درگیر این گروه‌ها شوند. همین‌طور نباید اجازه داد این گروه‌ها به سایر کودکان ضعیف‌تر آزار برسانند.



حفظ حریم خصوصی

حریم خصوصی کودکان، در تمام محیط‌ها، اعم از محیط مجازی، محیط‌های مربوط به نوشتارهای شخصی آن‌ها و همین‌طور فضای زندگی، باید حفظ شود. در کودکان آن‌ها یا سایر محیط‌های آموزشی یا محیط‌های عمومی نباید از کودک اطلاعاتی در خصوص خانواده‌اش یا مسائل دیگر گرفته شود. گاهی در خلال بازی‌ها یا فعالیت‌های دیگر اطلاعاتی از کودک گرفته می‌شوند که شخصی و حریم خصوصی او و خانواده‌اش محسوب می‌شوند. گاهی حتی کودکان نسبت به این قضیه ورود می‌کنند و در صحبت‌های خصوصی‌شان مطالبی را مطرح می‌کنند که نقض حریم خصوصی است. باید نسبت به این موارد حساس بود و جلوی آن را گرفت. گاهی هم کودک برخی نوشته‌های بزرگ‌ترها را که در آن‌ها اطلاعات خاصی هست یا فیلم‌های خصوصی را، به اشتباه به کودکان یا مدرسه می‌برد. باید در خصوص این موارد به کودکان و خانواده‌ها تذکر داد و کاملاً هشیار بود که این اطلاعات در اختیار افراد دیگر قرار نگیرند.



حق دوازدهم

داشتن تفریح

شاید مهم‌ترین حق در این دوره سنی، حق داشتن تفریح، بازی، شادی و کارهای فرهنگی و هنری باشد. آن حقوق دیگر باید از مجرای این حق در اختیار کودکان قرار بگیرند. کودک باید ارزش‌های خوب و پندارها و رفتارهای خوب را از طریق تفریح و آموزش یاد بگیرد. بنابراین، در این خصوص دقت شود که بتوان بسیاری از مسائل را از طریق بازی‌سازی به کودک آموزش داد.

